

اخبار و تحلیل‌ها

نشریه روزانه (داخلی) معاونت سیاسی

نماینده‌گی ولی فقیه در سپاه

سال بیست‌وهشتم / شماره ۶۷۴۰

یکشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۵

امام خامنه‌ای (ره):

جمهوری اسلامی عبارت است از ملت ایران، این ملت پابرجا، این ملت مستحکم، این ملتی که حاضر است برای پیشرفت خودش زحمت بکشد، کار کند، تلاش کند، و بحمدالله در این ۴۷ سال پیشرفت کرده. آن روزی که جمهوری اسلامی یک نهال باریک بود، شما نتوانستید آن را از زمین قلع کنید و بکنید؛ امروز که بحمدالله جمهوری اسلامی یک شجره‌ی مبارکه‌ی بلند و پُر ثمر است.

۱۴۰۴/۱۱/۲۸

با گسترش تحرکات داعش از شرق به مرکز و غرب سوریه و تداوم بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای، این پرسش بیش از گذشته مطرح است که آیا این گروه می‌تواند به ابزاری برای افزایش فشار امنیتی بر لبنان تبدیل شود. از منظر راهبردی، داعش را نمی‌توان پدیده‌ای مستقل یا صرفاً یک گروه تروریستی شکست‌خورده دانست؛ بلکه این گروه، بخشی از معماری جنگ‌های نیابتی در غرب آسیاست؛ ساختاری که در بستر اشغالگری‌های خارجی، فروپاشی دولت‌ها و مهندسی شکاف‌های قومی-مذهبی، امکان بازتولید می‌یابد.

داعش در سوریه امروز، نه به‌عنوان یک گروه فروپاشیده، بلکه در قالب یک «شبکه فرسایشی پنهان» به فعالیت خود ادامه می‌دهد. مأموریت اصلی این شبکه، فرسایش امنیت، تضعیف انسجام اجتماعی و ضربه زدن به زیرساخت‌های حاکمیتی است. این راهبرد در صورت نیاز و به دستور اربابان خویش، می‌تواند دایره عملیات خود را به کشورهای همسایه به‌ویژه عراق و لبنان نیز گسترش دهد. پس از شکست سرزمینی داعش، این جریان وارد مرحله‌ای از بازآرایی ساختاری شد که می‌توان آن را «گذار از

دولت‌نمایی به شبکه‌محوری» توصیف کرد؛ الگویی که هدف اصلی آن را از تصرف زمین به «بی‌ثبات‌سازی پایدار» منتقل کرده است.

شرق سوریه، به‌ویژه مناطق دیرالزور، الحسکه و حومه فرات، همچنان کانون اصلی فعالیت‌های داعش است. تخلیه زندان‌ها و اردوگاه‌های پرجمعیتی نظیر «الهلول» نه تنها این جغرافیا را به منبعی برای تأمین نیروی انسانی و بازسازی لایه‌های ایدئولوژیک تبدیل کرد، بلکه موجب گسترش نفوذ این گروه از شرق به سوی مرکز و غرب سوریه شد. داده‌های میدانی نشان می‌دهد داعش طی دو سال گذشته، بیش از ۳۰۰ عملیات در سوریه انجام داده است. نکته مهم این است که طی دوره بعدی، عملیات داعش روی استان‌های مختلف مرکز و غرب سوریه یعنی حمص، حماه، حلب و حتی ریف دمشق متمرکز بوده که نشان‌دهنده گستره و تغییر جغرافیای تهدید است.

در سطح منطقه‌ای، بحران سوریه از وضعیت لبنان تفکیک‌ناپذیر است. هر تغییر در موازنه امنیتی سوریه، تأثیری مستقیم بر وضعیت لبنان می‌گذارد، به‌ویژه در شرایطی که درگیری‌ها در مرزهای جنوبی لبنان با رژیم صهیونی شدت یافته است. در این چارچوب، سوریه میدان تولید و جابه‌جایی تهدیدها، لبنان میدان رویارویی مستقیم با رژیم صهیونی و این رژیم یکی از محرک‌های اصلی تشدید فشار در کل این محور محسوب می‌شود. در شرایطی که اجرای کامل توافق‌ها در میدان با چالش مواجه است و رژیم صهیونی مسیر تشدید تنش را ادامه می‌دهد، داعش

می‌تواند در نقش یک «ابزار فرسایشی مکمل» در مناطقی که خلأ امنیتی وجود دارد ظاهر شود.

▼ گزارش روز

نشست قاهره و وحشت رژیم صهیونی

👤 علی فاتح

با نزدیک شدن به نشست چهارم کشورهای مصر، عربستان سعودی، ترکیه و پاکستان در قاهره، گمانه‌زنی‌ها درباره ماهیت واقعی این سازوکار منطقه‌ای افزایش یافته است. هرچند مقامات چهار کشور همچنان از ادبیاتی محتاطانه مانند «هماهنگی»، «رایزنی» و «همکاری منطقه‌ای» استفاده می‌کنند، اما بسیاری از ناظران معتقدند تحولات پرشتاب منطقه، به‌ویژه پس از جنگ غزه، تجاوزات مکرر رژیم صهیونی به لبنان، سوریه و ایران و همچنین کاهش اعتماد به تضمین‌های امنیتی آمریکا، زمینه شکل‌گیری یک آرایش جدید منطقه‌ای را فراهم کرده است.

نشست پیش‌روی قاهره چهارمین دور از رایزنی‌های مشترک میان این چهار کشور منطقه‌ای محسوب می‌شود. پیش از این، سه نشست در ریاض، اسلام‌آباد و آنتالیای ترکیه برگزار شده بود. بررسی روند تحولات نشان می‌دهد دستورکار این نشست‌ها به تدریج از بحث‌های صرفاً دیپلماتیک فراتر رفته و به موضوعات

راهبردی‌تری همچون ترتیبات امنیتی منطقه، امنیت انرژی، حفاظت از مسیرهای دریایی و آینده نظم سیاسی منطقه گسترش یافته است.

بسیاری از تحلیلگران منطقه‌ای بر این باورند که عامل اصلی نزدیک شدن این چهار کشور، سیاست‌های تهاجمی رژیم صهیونی در منطقه است. جنگ غزه که آغاز شد، حملات گسترده رژیم صهیونی به لبنان، تجاوزهای مکرر به خاک سوریه و در نهایت جنگ علیه ایران، موجب شد بسیاری از کشورهای منطقه نسبت به پیامدهای بلندمدت سیاست‌های تل‌آویو احساس نگرانی کنند. نگرانی اصلی به پروژه‌ای بازمی‌گردد که مقامات صهیونیست بارها از آن سخن گفته‌اند؛ پروژه‌ای مبتنی بر بازطراحی نظم منطقه‌ای از طریق قدرت نظامی و تحمیل معادلات جدید به کشورهای منطقه.

نگرانی تل‌آویو تنها به ابعاد سیاسی این همکاری محدود نمی‌شود. آنچه بیش از همه محافل امنیتی رژیم صهیونی را نگران کرده، احتمال گسترش همکاری‌های امنیتی و دفاعی میان این کشورهاست. در سال‌های اخیر روابط قاهره و آنکارا پس از یک دوره طولانی تنش، وارد مرحله جدیدی شده و همکاری‌های دفاعی میان عربستان سعودی و پاکستان نیز به ویژه با توجه به جایگاه هسته‌ای پاکستان، توجه بسیاری از تحلیلگران را به خود جلب کرده است. از منظر راهبردی، اهمیت این همکاری‌ها زمانی بیشتر می‌شود که در کنار کاهش اعتماد کشورهای منطقه به آمریکا مورد بررسی قرار گیرد.

در این میان، جنگ اخیر علیه ایران نیز نقش مهمی در تسریع این روند ایفا کرد. بسیاری از کشورهای منطقه مشاهده کردند که یک درگیری گسترده می‌تواند در مدت کوتاهی امنیت انرژی، تجارت دریایی و ثبات اقتصادی کل منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. از نگاه جمهوری اسلامی ایران، امنیت منطقه باید توسط کشورهای منطقه تأمین شود و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای نه تنها کمکی به ثبات نمی‌کند، بلکه خود عامل اصلی بسیاری از بحران‌هاست. هرچند ایران عضو این سازوکار چهارجانبه نیست، اما بسیاری از اهداف اعلامی آن با مواضع تهران همپوشانی دارد.

خبر ویژه ▼

امارات واقعیت قدرت ایران را پذیرفت

خبرگزاری بلومبرگ در گزارشی از تلاش‌های پشت‌پرده «شیخ طحنون بن زاید آل نهیان» مشاور امنیت ملی امارات و برادر رئیس این کشور برای بازسازی روابط ابوظبی با تهران پس از تحولات اخیر منطقه خبر داد. بر اساس این گزارش، شیخ طحنون که به دلیل مدیریت شبکه‌ای از صندوق‌های سرمایه‌گذاری و دارایی‌های عظیم امارات به «مرد تریلیون دلاری ابوظبی» شهرت دارد، در ماه‌های اخیر نقش مهمی در هدایت رویکرد جدید امارات در قبال ایران ایفا کرده است. بلومبرگ می‌نویسد که ابوظبی با درک هزینه‌های سنگین تنش‌های منطقه‌ای برای اقتصاد خود، به‌ویژه در حوزه انرژی، تجارت، گردشگری و سرمایه‌گذاری، تلاش کرده از مواضع تقابلی فاصله گرفته و مسیر

تعامل با تهران را تقویت کند. در همین راستا، شیخ طحنون که پیش‌تر به‌عنوان بلندپایه‌ترین مقام اماراتی به تهران سفر کرده بود، بار دیگر در کانون تحرکات دیپلماتیک قرار گرفته است. این گزارش همچنین به نقش هماهنگ‌کننده قطر در مذاکرات اخیر میان ایران و آمریکا اشاره کرده و می‌افزاید که مقام‌های قطری به‌طور مستمر ابوظبلی را در جریان روند رایزنی‌ها قرار می‌دادند.

▼ اخبار

«ممدانی واشنگتن» در راه قدرت

کانال ۱۲ تلویزیون رژیم صهیونی با ابراز نگرانی از گسترش نفوذ چهره‌های حامی فلسطین در عرصه سیاسی آمریکا، گزارش داد که «جنیس لوئیس جورج» پس از پیروزی در انتخابات مقدماتی حزب دموکرات، به احتمال فراوان شهردار آینده واشنگتن خواهد شد. این رسانه عبری با اشاره به روند انتخابات محلی در ایالات متحده نوشت که نامزدهای منتقد سیاست‌های رژیم صهیونی در حال کسب جایگاه‌های مهم‌تری در ساختار سیاسی آمریکا هستند و لوئیس جورج نیز در همین چارچوب به‌عنوان «ممدانی واشنگتن» شناخته می‌شود. بر اساس این گزارش، وی در انتخابات مقدماتی موفق شد حدود ۵۳ درصد آرا را کسب کند و بدون نیاز به برگزاری دور دوم، راه خود را برای تصدی شهرداری پایتخت آمریکا هموار سازد. کانال ۱۲ تأکید کرد که لوئیس جورج بارها رژیم صهیونی را به ارتکاب «تسل‌کشی» در غزه متهم کرده و اعلام کرده است در هیچ رویدادی که به گفته او برای

«پنهان کردن واقعیت اشغالگری یا ترویج صهیونیسم و آپارتاید» برگزار شود، شرکت نخواهد کرد. این نامزد دموکرات همچنین از حمایت جریان «سوسیالیست‌های دموکرات آمریکا» برخوردار است؛ جریانی که در سال‌های اخیر به دلیل مواضع حامی فلسطین و انتقاد از سیاست‌های تل‌آویو مورد توجه قرار گرفته است. رسانه صهیونیست با اشاره به اکثریت قاطع دموکرات‌ها در واشنگتن، پیروزی نهایی لوئیس جورج را بسیار محتمل دانست و این تحول را نشانه‌ای از افزایش حضور سیاستمداران منتقد رژیم صهیونی در ساختار قدرت آمریکا ارزیابی کرد.

ایران قدرتمندتر از قبل بازگشت

روزنامه معاریو به نقل از «آلون بن‌دیوید» تحلیلگر نظامی و مفسر کانال ۱۳ تلویزیون رژیم صهیونی نوشت که ارتش رژیم صهیونی باید یکی از بزرگ‌ترین درس‌های تاریخ خود را از جنگ با ایران بیاموزد و اجازه ندهد اهداف سیاسی و توهمات رهبران این رژیم بر تصمیمات نظامی سایه بیفکند. وی تأکید کرد که توافق اخیر میان ایران و آمریکا، موازنه قدرت در غرب آسیا را تغییر داده و جایگاه رژیم صهیونی را به‌عنوان بازیگر تأثیرگذار منطقه تضعیف کرده است. بن‌دیوید با اشاره به شکست راهبرد تغییر نظام در ایران گفت که بنیامین نتانیاهو توانست دونالد ترامپ را بر اساس برآوردهای نادرست متقاعد کند که این هدف دست‌یافتنی است، اما بقای جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ، تمام این محاسبات را برهم زد. وی افزود که کشورهای منطقه که پیش‌تر برای جلب نظر تل‌آویو تلاش می‌کردند، اکنون بیش از گذشته به سمت تعامل با ایران حرکت کرده‌اند و تهران توانسته مشروعیت و نفوذ

منطقه‌ای خود را افزایش دهد. این تحلیلگر صهیونیست همچنین اذعان کرد که ایران با وجود فشارهای گسترده و حملات نظامی، توانست توان بازدارندگی خود را حفظ کرده و حتی با ایجاد اختلال در مسیرهای راهبردی انرژی و تجارت جهانی، قدرت تأثیرگذاری خود را به نمایش بگذارد. بن‌دیوید در پایان هشدار داد که نام نتانیا هو و ترامپ در تاریخ به‌عنوان رهبرانی ثبت خواهد شد که جنگی پرهزینه را آغاز کردند اما نتوانستند به اهداف اعلامی خود دست یابند.

آغاز افول نفوذ آمریکا

دو تحلیلگر ارشد اندیشکده آمریکایی «گروه اوراسیا» در مقاله‌ای در مجله فارین افرز، توافق آتش‌بس میان ایران و آمریکا را نه یک پیروزی برای واشنگتن، بلکه بزرگ‌ترین شکست سیاست خارجی دونالد ترامپ در دو دوره ریاست‌جمهوری او توصیف کردند. «یان برمر» و «فیراس مقصد» با اشاره به اهداف اعلام‌نشده آمریکا از جنگ علیه ایران نوشتند که واشنگتن و متحدانش در پی تغییر نظام سیاسی ایران بودند، اما نه تنها به این هدف دست نیافتند، بلکه جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ در موقعیتی راهبردی‌تر از گذشته قرار گرفت. به اعتقاد این دو تحلیلگر، نگرانی‌های آمریکا درباره برنامه هسته‌ای، توان موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران همچنان پابرجاست و تفاهم‌نامه اخیر نیز نتوانسته این دغدغه‌ها را برطرف کند. در این گزارش همچنین تأکید شده که رفتارهای متناقض و غیرقابل پیش‌بینی واشنگتن در جریان جنگ، اعتماد متحدان منطقه‌ای آمریکا را به شدت تضعیف کرده و کشورهای منطقه را به سمت ائتلاف‌های جدید و سیاست‌های مستقل‌تر

سوق داده است. در جمع‌بندی این تحلیل آمده است که جنگ علیه ایران نه تنها اهداف واشنگتن را محقق نکرد، بلکه روند افول هژمونی آمریکا و حرکت جهان به سوی نظم چندقطبی را تسریع کرد.

▼ اخبار کوتاه

◀ محمد اکبرزاده، معاون سیاسی نیروی دریایی سپاه، با تأکید بر اینکه «تضمین واقعی هر توافقی قدرت است، نه امضای روی کاغذ»، گفت جمهوری اسلامی ایران در مرحله «زایش جدید انقلاب» قرار دارد. وی با اشاره به جنگ روایت‌ها و جنگ شناختی دشمنان اظهار داشت: «دشمن تنها زمانی عقب‌نشینی می‌کند که قدرت ایران را ببیند.» اکبرزاده با بیان اینکه جمهوری اسلامی مانع اصلی تحقق طرح‌هایی همچون «صلح ابراهیم» و «خاورمیانه بزرگ» بوده است، افزود: «ایران برای احقاق حقوق خود مذاکره می‌کند، نه برای امتیاز دادن.» وی همچنین بر هماهنگی دولت، نیروهای مسلح و مردم در شرایط اخیر تأکید کرد.

دفتر نخست‌وزیر پاکستان اعلام کرد مذاکرات فنی ایران و آمریکا برای پیگیری اجرای تفاهم‌نامه «اسلام‌آباد» از امروز در سوئیس آغاز خواهد شد. بر اساس این بیانیه، شهباز شریف و ژنرال عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان، نیز در این نشست حضور خواهند داشت. همزمان، اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان، هدف سفر هیئت ایرانی به سوئیس را «مطالبه اجرای تعهدات طرف مقابل» عنوان کرد و گفت آغاز مذاکرات درباره توافق نهایی منوط به اجرای بندهای کلیدی تفاهم‌نامه است. وی تأکید کرد تهران با توجه به سابقه بدعهدی‌های طرف مقابل، روند اجرای تعهدات را با جدیت و دقت پیگیری خواهد کرد.

کمیته عالی امنیتی زیارت‌های میلیونی عراق از اجرای تدابیر ویژه برای تأمین امنیت مراسم عاشورا و اربعین حسینی(ع) خبر داد. در نشست فرماندهی عملیات مشترک عراق، بر تشدید اقدامات اطلاعاتی، جلوگیری از هرگونه خلأ امنیتی، بازرسی دقیق محل‌های تجمع عزاداران، پارکینگ‌ها و موکب‌های حسینی و همچنین پرهیز از نظامی‌سازی شهرها و مسیرهای زائران تأکید شد. مقامات عراقی همچنین دستور افزایش هماهنگی

میان نهادهای امنیتی و ارائه بهترین خدمات به زائران داخلی و خارجی را صادر کردند.

منابع محلی در سوریه گزارش دادند که یک واحد نظامی رژیم اشغالگر صهیونی با نقض حاکمیت سوریه، وارد منطقه «حوض الیرموک» در حومه غربی درعا شده است. منابع سوری همچنین گزارش دادند: «رژیم صهیونیستی طی ۲۴ ساعت گذشته دست کم ۷ مورد نقض حریم سرزمینی در جنوب سوریه مرتکب شده است که ۵ مورد آن شامل عملیات نفوذ به عمق خاک سوریه بوده است.»

تاکر کارلسون، مجری و تحلیلگر سرشناس محافظه کار آمریکایی، با انتقاد از ورود واشنگتن به جنگ علیه ایران، مدعی شد دونالد ترامپ در این پرونده «فریب خورده» و اکنون برای خروج از وضعیت موجود به توافق با تهران نیاز دارد. وی در برنامه خود با اشاره به نقش حامیان رژیم صهیونی در آمریکا گفت: «ترامپ نخستین رئیس جمهور آمریکاست که به دام این جنگ افتاد و وارد آن شد.» کارلسون افزود: «ترامپ حالا متوجه اشتباه خود شده و می داند که برای عبور از این بحران

به توافق با ایران نیاز دارد؛ حتی اگر این توافق از نظر برخی توافقی مطلوب نباشد.»

ایهود اولمرت، نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونی، با انتقاد شدید از عملکرد بنیامین نتانیاهو تأکید کرد که اکثر صهیونیست‌ها هرگز او را به دلیل شکست‌های سیاسی و امنیتی و همچنین سیاست‌های تفرقه‌افکنانه‌اش نخواهند بخشید. اولمرت با اشاره به افزایش خشونت شهرک‌نشینان در کرانه باختری، این اقدامات را «پاکسازی قومی» و «جنایت علیه بشریت» توصیف کرد و تأکید کرد که این روند با حمایت و هماهنگی مقامات ارشد تل‌آویو انجام می‌شود.